



Backgrounds and conditions for committing the crime of theft in Tehran

Esmail Hasanvand^{1✉}, Mohsen Ahmadpuor²

1. (Corresponding Author) *Department of Sociology, Security Sciences and Social Studies Research Institute, Tehran, Iran*

Email: esmail.hasanvand@gmail.com

2. *Department of International Relations, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

Email: behzad.9011@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Paper

Received:
4 January 2025
Received in revised form:
2 April 2025
Accepted:
23 April 2025
Available online:
9 June 2025

Keywords:
Theft,
Economic factors,
Social factors,
Cultural factors,
Addiction.

ABSTRACT

Background and Aim: Theft is one of the most prevalent and significant crimes in modern societies, with wide-ranging effects on public security and social stability. This study aims to identify the underlying causes and contexts of theft in Tehran and seeks to answer the question of which economic, social, and cultural factors contribute to its occurrence.

Methodology: This research adopts a qualitative approach using qualitative content analysis. The study population consists of individuals arrested for theft by the Tehran Police Intelligence Department as well as a number of detectives from the FATEB intelligence bases. The sample includes 22 apprehended thieves and 10 detectives, selected through theoretical and convenience sampling methods. Data were collected through in-depth interviews and analyzed qualitatively.

Results: The results indicate that the main economic factors influencing theft include poverty, unemployment, rising living costs, and the desire for easy income. Social factors such as parental divorce, association with delinquent peers, addiction, social inequality, low educational attainment, and family disintegration also play major roles. Furthermore, cultural factors—particularly the weakening of cultural beliefs and the transformation of social values and norms—were found to reinforce theft motivation. Distinct theft patterns were also identified among different ethnic groups, reflecting the influence of cultural diversity on criminal behavior.

Conclusion: The growing rate of theft in Tehran in recent years is closely linked to the country's poor economic conditions and the impact of sanctions. Although economic factors are central, theft emerges from the interplay of economic, social, and cultural dimensions. Therefore, effective reduction of theft requires comprehensive economic reforms alongside strengthening cultural and social foundations.

Citation: Hasanvand, E., & Ahmadpuor, M. (2025). Backgrounds and conditions for committing the crime of theft in Tehran. *Journal of Police Geography*, 13 (49), 33-53.

<http://doi.org/10.22034/POGRA.2025.1283548.1558>



© The Author(s)

Publisher: Security Sciences and Social Studies Research Institute, NAJA.

This is an open access article under the CC BY NC license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



زمینه‌ها و بسترهای ارتکاب جرم سرقت در شهر تهران

اسماعیل حسنوند^۱ ✉، محسن احمدپور^۲

۱- نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران. رایانامه: esmail.hasanvand@gmail.com

۲- گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: behzad.9011@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ واژگان کلیدی: سرقت، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، اعتیاد.	زمینه و هدف: سرقت از جمله جرائم مهم و شایع در جوامع امروزی است که آثار و پیامدهای گسترده‌ای بر امنیت اجتماعی و احساس آرامش شهروندان دارد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی زمینه‌ها و بسترهای ارتکاب سرقت در شهر تهران انجام شده و در پی پاسخ به این پرسش است که چه عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بروز این جرم مؤثرند. روش پژوهش: این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه سارقان دستگیرشده توسط پلیس آگاهی تهران و تعدادی از کارآگاهان پایگاه‌های آگاهی فاتب است. نمونه تحقیق ۲۲ نفر از سارقان و ۱۰ نفر از کارآگاهان را دربر می‌گیرد که از طریق روش نمونه‌گیری نظری و در دسترس انتخاب شده‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر سرقت شامل فقر، بیکاری، افزایش هزینه‌های زندگی و تمایل به درآمد آسان است. عوامل اجتماعی چون طلاق والدین، دوستی‌های ناباب، اعتیاد، نابرابری اجتماعی، تحصیلات پایین و گسست خانوادگی نیز در این زمینه تأثیرگذارند. علاوه بر این، ضعف باورهای فرهنگی، تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از عوامل فرهنگی تقویت‌کننده سرقت محسوب می‌شوند. همچنین، در میان قومیت‌های مختلف، الگوهای خاصی از سرقت شناسایی شد که بیانگر تأثیر تفاوت‌های فرهنگی است. نتیجه‌گیری: افزایش سرقت در تهران طی سال‌های اخیر ارتباط مستقیمی با شرایط اقتصادی نامناسب و آثار تحریم‌ها دارد. با وجود اهمیت عوامل اقتصادی، این پدیده در تعامل تنگاتنگ با عوامل اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. بنابراین، کاهش مؤثر میزان سرقت نیازمند سیاست‌گذاری‌های جامع اقتصادی همراه با تقویت بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه است.

استناد: حسنوند، اسماعیل و احمدپور، محسن. (۱۴۰۴). زمینه‌ها و بسترهای ارتکاب جرم سرقت در شهر تهران. *مجله پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی*، ۱۳ (۴۹)، ۵۳-۳۳.

<http://doi.org/10.22034/POGRA.2025.1283548.1558>

ناشر: پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا

© نویسندگان



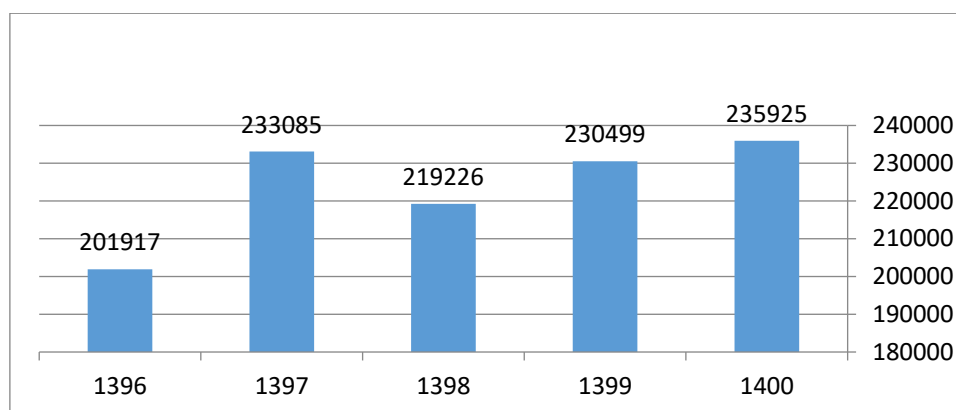
مقدمه

جرائم و کج‌روی‌های اجتماعی امروزه به یکی از مشکلات حاد در بیشتر شهرها و روستاها تبدیل شده است. به‌طور کلی کج‌روی‌های اجتماعی علاوه بر ایجاد ناامنی و بدبینی، لطمات سنگین روحی و جسمی و مالی زیادی را بر دوش شهروندان می‌گذارد. مهم‌تر اینکه وقوع جرائم، تعقیب مجازات مجرمین و مقابله با ناهنجاری‌ها مستلزم تشکیلات گسترده قضایی، انتظامی، امکانات وسیع و صرف هزینه‌های گزاف مالی برای دولت و به‌طور کلی بخش عمومی جامعه است. از سوی دیگر با فرایند مدرنیزاسیون و پیشرفت‌های تکنولوژیکی در جهان شاهد گذار از دنیای سنت به مدرن هستیم. شهرنشینی شتابان و رشد بی‌قواره شهری از پدیده‌های ناگوار در چند دهه اخیر است. این پدیده تا حد زیادی در نیمه دوم قرن بیستم در بیشتر کشورهای درحال توسعه اتفاق افتاده و به‌صورت پدیده‌ای جهان‌شمول درآمده است. این رشد بی‌رویه موجب بروز مشکلاتی چون افزایش بزهکاری، حاشیه‌نشینی، بحران مسکن، شرایط نامطلوب کار، مسائل زیست‌محیطی و حاشیه‌نشینی شده است.

از بین جرائم، سرقت یکی از مهم‌ترین جرم‌های آسیب‌زننده به نظم و امنیت اجتماعی و عمومی است که در نحوه زندگانی شهروندان، عملکرد هزینه‌ای نهادها و سازمان‌ها نظیر خانواده‌ها، کلاتری‌ها، پلیس، زندان و شرایط ساختاری جامعه تأثیر دارد. وقوع سرقت توسط فرد یا افراد در اشکال متنوع خود در ساختارهای جامعه، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند و مسائل مختلف اجتماعی را به همراه دارد که از آن جمله تأثیرات اقتصادی برای قربانیان دارد و باعث به‌هم‌ریختگی آسایش و امنیت فردی و عمومی می‌شود. سرقت یکی از جرائم مهم جوامع و عملی است که تقریباً در تمامی کشورها دیده می‌شود. این جرم در گذشته‌های دور نیز وجود داشته و به اشکال مختلف صورت می‌گرفته است. سرقت در زمان‌های متفاوت و در جوامع مختلف تغییر کرده است؛ اما موضوعی که از ابتدای پیدایش سرقت تاکنون ثابت مانده، زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است که همواره با مرتکب این جرم برخورد و مقابله شده است. سرقت مسئله‌ای است که هم‌زمان تهدیدکننده امنیت جانی و مالی اعضای جامعه است؛ سارق با ارتکاب به سرقت سعی دارد وضعیت خود را با تجاوز به اموال دیگری بهبود ببخشد. ایجاد حس تهدید مالی و جانی در افراد جامعه، ضمن آنکه با حدود زیادی، انگیزه آن‌ها را برای تلاش و کسب دارایی و ثروت مشروع تضعیف می‌کند، تسهیلگر هرج‌ومرج در روابط اجتماعی و تزلزل در بنیان‌های نظم عمومی، و تقویت بی‌سازمانی اجتماعی نیز است. رفع نیازهای فردی و اجتماعی به هر شیوه ممکن از طریق تجاوز به اموال غیر و همچنین انتخاب الگوی سرقت به‌عنوان شیوه‌ای برای تقویت خرده‌فرهنگ‌ها بزهکاری، ظهور و شیوع سایر جرائم اجتماعی را به دنبال دارد.

آمارها حکایت از آن دارد که سرقت یکی از جرائم شایع در ایران است. محققان مختلفی که سرقت را بررسی کرده‌اند، آمارهای مختلفی را نیز از آن ارائه داده‌اند. ایران با ۱۲۲۷۵۰ مورد سرقت در سال، رتبه بیست و سوم را در بین کشورهای دنیا داراست (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۳: ۸۶). همچنین، طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران به ازای هر صد هزار نفر در کشور در سال ۱۳۸۰، ۲۴۸ فقره سرقت صورت گرفته و این آمار در سال ۱۳۹۴ به ۹۷۴ فقره رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). بررسی آمارهای رسمی منتشرشده نشان می‌دهد میزان سرقت در پنج سال گذشته ۴ برابر شده است. همچنین طبق گزارش مرکز آمار ایران؛ میزان سرقت سیر صعودی داشته به‌طوری‌که بعد از مصرف مواد مخدر، سرقت دومین جرم عمده در کشور محسوب می‌شود سال گذشته سازمان زندان‌های کشور اعلام کرد که حدود ۶۸ درصد زندانی‌ها به دلیل جرائم «مواد مخدر و سرقت» در زندان‌ها به سر می‌برند. این در حالی است که فرمانده نیروی انتظامی ایلام فروردین سال (۱۴۰۲) در مورد افزایش سرقت‌ها در ایام نوروز گفت که دستگیری سارقان نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته و به همان میزان، بزه سرقت نیز ۸۲ درصد افزایش داشته است. در شهر تهران که جامعه آماری این تحقیق

را تشکیل می‌دهد، افزایش سرقت در سال‌های اخیر کاملاً مشخص است و آمارهای سال‌های اخیر مرکز آمار نیز حاکی از افزایش میزان سرقت در شهر تهران است.



شکل ۱. روند تغییرات جرم سرقت از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در شهر تهران

همان‌گونه که شکل بالا نشان می‌دهد آمار سرقت در شهر تهران تا سال ۱۴۰۰ روندی افزایشی را طی کرده است. این تغییرات در افزایش جرم باعث شده است تا نگاه فرماندهان فراجا به اهمیت این جرم بیش‌ازپیش متمرکز شده و قرارگاهی با نام قرارگاه مبارزه با سرقت تشکیل دهند تا راه‌کاری علمی و اجرایی جهت مقابله با این جرم پیدا کنند.

از سوی دیگر تغییرات و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در سالیان گذشته در کشور و از جمله شهر تهران اتفاق افتاده، باعث شده تا اثرات این متغیرها بیش‌ازپیش نمایان شود. بدون شک عوامل اقتصادی از جمله مهم‌ترین دلایل افزایش سرقت در طول سالیان اخیر بوده که زمینه تحولات فرهنگی و اجتماعی را نیز فراهم کرده است و باعث شده تا مجموع این عوامل به افزایش این جرم در کشور و از جمله شهر تهران بینجامد. نتیجه آنکه به‌منظور پیشگیری و کاهش جرائم و آسیب‌های اجتماعی نیازمند بهره‌گیری از مطالعات علمی آسیب‌شناسان اجتماعی از جمله جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و دانشمندان علوم رفتاری می‌باشیم؛ به‌طوری‌که از یکسو ابعاد گستردگی، شدت و روند جرائم و آسیب‌های اجتماعی را مورد شناسایی و برحسب اهمیت اولویت‌بندی نموده و از سوی دیگر منابع آسیب‌ها و پیدایی آن‌ها را مورد علت‌کاوی قرار داده تا با قدرت، پیش‌بینی و پیشگیری، به کنترل جرائم دست‌یافته و با شیوه علمی به ترمیم آسیب‌ها و اصلاح کج روان اجتماعی و توانمندسازی افراد در معرض آسیب پرداخته شود. هدف این تحقیق، مطالعه زمینه‌ها و بسترهای ارتکاب جرم سرقت در شهر تهران است. درواقع سؤال اصلی این تحقیق این است که سرقت‌های شهر تهران در چه بسترها و زمینه‌هایی شکل می‌گیرند؟

فتحی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به شناسایی عوامل مؤثر بر پدیده سرقت خرد در شهر همدان انجام پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سرقت؛ بی‌نظمی فیزیکی، کنترل اجتماعی، هم‌نشینی با افراد خلاف‌کار، دین‌داری و آنومی هستند. بدین‌صورت که میانگین بی‌نظمی فیزیکی و کنترل اجتماعی بر اساس داده‌ها معنی‌دار نیست. اما نتایج متغیرهای هم‌نشینی با افراد خلاف‌کار و نرخ دین‌داری معنی‌دار است. شناخت دلایل ارتکاب سرقت در وهله اول به پیشگیری از سرقت کمک کرده و در وهله دوم، با ارائه مجموعه آموزش‌ها و آگاهی‌سازی اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی صحیح شهری بر اساس نتایج بی‌نظمی فیزیکی و کنترل اجتماعی، موجب منفعل‌سازی کانون‌های جرم خیز شده و اقدامات پلیس را مؤثر می‌کند.

درشتی (۱۳۹۹) به بررسی «نابسامانی اجتماعی و تأثیر آن بر سرقت با تأکید بر پدیده مهاجرت (مطالعه موردی: تهران بزرگ)» پرداخته است. هدف پژوهش حاضر، تعیین عوامل نابسامانی اجتماعی و تأثیر آن‌ها در سرقت است. درواقع رشد شتابان جمعیت، شهر را کانون مسائل اجتماعی می‌نماید و سامان اجتماعی شهر را با تغییرات سریع و بی‌نظمی مواجه می‌کند که عامل بسیاری از جرائم از جمله جرم موردبررسی ما است. روش اصلی این پژوهش پیمایشی است در این پژوهش عامل مهاجرت بیشتر از سایر عوامل بر سرقت تأثیر داشت. برای اجتناب از تأثیر عوامل نابسامانی در جرم موردبحث ما لازم است از مهاجرت‌های غیرضروری، و با تنوع جمعیتی، همچنین سکونت‌های قومی در مناطق شهر با مشوق‌های مختلف جلوگیری شود. حل مشکل اجاره‌نشینان و خانه‌دار کردن آن‌ها به حل مشکل کمک می‌کند.

درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹) «عوامل مؤثر بر جرم مالی در ایران با تأکید بر ادوار تجاری و آسیب‌های اجتماعی» داده‌های جرم در ایران، به‌ویژه جرائم مالی، از انتهای دهه ۸۰ دارای روند افزایشی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نرخ سرقت با متغیرهای اقتصادی همچون درآمد سرانه رابطه منفی و معنادار و با تورم و فقر و بیکاری جوانان رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین رفتار مخالف چرخه‌ای سرقت در کشور تأیید می‌گردد. از یافته‌های دیگر پژوهش، رابطه منفی و معنادار نرخ سرقت با نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی است. همچنین رابطه منفی شاخص ترکیبی نرخ بیکاری و آموزش نشان‌دهنده اثر غالب آموزش نسبت به بیکاری در بحث جرائم است. نتایج پژوهش رابطه مثبت و معنادار نرخ شیوع اعتیاد و نرخ طلاق را با سرقت تأیید می‌کند. اعتیاد منجر به کاهش فرصت مشارکت در بازار کار قانونی شده و طلاق می‌تواند آثار اجتماعی و روانی شدید در برداشته باشد.

حیدر نژاد و عامری (۱۳۹۹) به تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد در شهر مشهد و راهکارهای مبارزه با آن» پرداختند. سرقت پدیده‌ای است که امنیت مالی و جانی افراد را تهدید می‌کند. برابر بررسی‌های صورت گرفته با توجه به یافته‌های مربوط به شاخص عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد مشخص می‌شود میانگین شاخص فوق ۴/۴۸ می‌باشد که بیانگر آن است که عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد بالاتر از حد متوسط می‌باشد. با توجه به ضریب تعیین و تأثیر می‌توان گفت که چهار عامل نداشتن پاس‌های ثابت با وزن بتای (۰/۲۴۱)، حضور نگهبان محله با وزن بتای (۰/۱۷۷)، آموزش عوامل انتظامی با وزن بتای (۰/۱۴۹)، فناوری‌های نوین با وزن بتای (۰/۱۴۲) به ترتیب بیشترین عامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد اثری تعیین‌کننده‌تری دارد. نتیجه‌گیری: در منطقه موردبررسی نتایج نشان می‌دهد، توجه به مسائلی از جمله داشتن‌های پاس‌های ثابت، حضور مستمر نگهبان محله، آموزش عوامل انتظامی و استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش سرقت‌های خرد ایفا نماید.

برنسا و همکاران^۱ (۲۰۲۰) مقاله‌ای با عنوان «عوامل خطر و محافظت‌کننده از بزه دیدگی سرقت هویت در ایالات متحده» انجام دادند. بزه دیدگی سرقت هویت با بیماری‌های جدی جسمی و روانی همراه است. مشکل این است که گسترش می‌یابد زیرا جامعه به‌طور فزاینده‌ای به فناوری ذخیره و انتقال شناسایی شخصی وابسته می‌شود اطلاعات با هدایت تئوری فعالیت زندگی روزمره، این مطالعه سعی در شناسایی عوامل خطر و محافظت‌کننده داشت مرتبط با بزه دیدگی سرقت هویت و تعیین اینکه آیا رفتارهای سطح فردی، از جمله دفعات خرید آنلاین و شیوه‌های محافظت از داده‌ها، تعیین‌کننده قربانی شدن است. داده‌های دولت‌های متوالی نظرسنجی ملی جرم و جنایت ایالات متحده - مکمل سرقت هویت (ITS) در ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ با هم ترکیب شدند (N = ۱۲۸۴۱۹). استفاده از رگرسیون لجستیک چند متغیره، خطرناک و محافظ فاکتورها برای سه زیرگروه موردبررسی قرار گرفتند: ۱) استفاده غیرمجاز از کارت اعتباری موجود /

حساب‌های بانکی و استفاده غیرمجاز از اطلاعات شخصی برای ۲) افتتاح حساب‌های جدید یا ۳) انجام فعالیت‌های ابزاری (به‌عنوان مثال، درخواست مزایای دولت، دریافت مراقبت‌های پزشکی، ثبت اظهارنامه مالیاتی کاذب). کارت اعتباری / بانکی موجود حساب‌ها و حساب‌های جدید بزه دیدگی سرقت هویت با سطح بالاتری از خرید آنلاین مرتبط بودند فعالیت و قربانی شدن سرقت هویت قبلی. همه زیرگروه‌های سرقت هویت با دولت در ارتباط بودند / نقض داده‌های شرکت‌ها و سایر تجارب قربانی شدن جرم. رفتارهای پیشگیرانه معمول سطح فردی مانند تغییر گذرواژه‌های آنلاین و خرد کردن یا از بین بردن اسناد محافظ بود. دزدی هویت زیرگروه‌ها از نظر اقتصادی و اجتماعی دارای پروفایل‌های واگرایانه / محافظتی اجتماعی-جمعیتی متنوع هستند وضعیت به‌احتمال زیاد قربانی سرقت هویت کارت اعتباری / حساب بانکی موجود می‌شود. سرقت هویت همه‌گیر است، مشکل رو به رشد با پیامدهای جدی بهداشتی و روانی - اجتماعی، اما افراد می‌توانند به‌طور خاص درگیر شوند.

تفاوت این تحقیق با تحقیقات پیشین در این است که این تحقیق با روش کیفی انجام شده است در صورتی که تحقیقات پیشین غالباً با روش کمی صورت گرفته‌اند. لذا سعی شده است تا از نزدیک به پدیده سرقت و با استفاده از صحبت‌های سارقان و افراد متولی در این حوزه پدیده سرقت و عوامل زمینه‌ای آن را موردبررسی قرار دهیم. تفاوت دیگر این تحقیق با تحقیقات پیشین این است که در این تحقیق عوامل مؤثر بر سرقت به‌صورت کلی و جامع موردبررسی قرار می‌گیرند اما در تحقیقات پیشین تنها به جنبه مختصری از عوامل مؤثر بر سرقت پرداخته‌اند.

مبانی نظری

در فرهنگ فارسی واژه سرقت به معنای دزدیدن - دزدی کردن و بردن مال معنی شده است (عمید، ۱۳۸۰). فرهنگ معین سرقت را این‌گونه تعریف کرده است: «سرقت در لغت به معنی دزدی کردن و دزدی آمده است» (معین، ۱۳۸۷). در دانش حقوق، سرقت به معنای ربودن مال و اشیای منقول، بدون رضای او و برخلاف حق است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۶۷ سرقت را این‌گونه تعریف کرده است؛ «سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به دیگری» سرقت زمانی اتفاق می‌افتد که شیء موضوع جرم بدون آگاهی و برخلاف میل صاحب آن از تصرف دارنده قانونی آن به تصرف عامل جرم درآید و لازمه آن گرفتن، برداشتن و کش رفتن است.

نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به‌عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به‌سوی حوزه‌های شهری است. جرائمی نظیر قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد را افزایش می‌دهند. «تئوری بی‌سازمانی اجتماعی اخیراً بر روی شکل مستقیم کنترل غیررسمی یا ثمربخش جمعی متمرکز شده است. یعنی توانایی مداخله مؤثر در مسائل محله و نظارت ساکنین برای حفظ نظم عمومی. این تئوری فرض نموده است، چنانچه این مکانیسم‌های مکمل ضعیف گردند، محلات توانایی خود را نسبت به کنترل جرم از دست خواهند داد. شدت همبستگی محله و ثمربخشی به ترتیب برای نمایان ساختن دامنه وسیعی از شرایط سطح کلان از قبیل فقر، شهرنشینی، صنعتی شدن دگرگونی جمعیت و ناهمگونی قومی/ نژادی در نظر گرفته شده است در صورتی که آن‌ها افزایش یابند، شدت همبستگی و کنترل غیررسمی کاهش می‌یابد (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳). تئوری بی‌سازمانی اجتماعی گسیختگی و ناکارآمدی نظام‌های سنتی و غیررسمی کنترل اجتماعی را عامل جرم و بزهکاری می‌داند. علت ریشه‌ای این بی‌سازمانی اجتماعی به‌طور کلی تغییرات اجتماعی است زیرا هماهنگی بخش‌های متفاوت

مختل می‌شود. این تغییرات می‌تواند دامنه از تغییرات تکنولوژیک تا فرهنگی شامل شود و این می‌توان موجب بی‌سازمانی اجتماعی شود (مبارکی، ۱۳۸۳: ۶۷). به‌طور کلی در بستر شرایط بی‌سازمانی اجتماعی «مهاجرت‌ها» عدم رعایت قوانین، بی‌توجهی به استانداردها، کاهش گرایش‌های فرهنگی، بروز رفتارهای کج روانه، کنش‌های نابهنجار و نیز ارتکاب بزه و جرم همگی ریشه در کاهش احساس تعلق اجتماعی دارند. شرایط بی‌سازمانی اجتماعی با تخریب و فرسایش روابط اجتماعی زمینه آسیب‌پذیری افراد را مهیا می‌کند. «افرادی که دوستان کمی دارند و کسی آنان را درک نمی‌کند به انزوا کشیده می‌شوند و به‌تدریج امید به رشد و تحول از دست می‌دهند و همین امر موجب بروز جرم و ارتکاب بزه می‌شود» (ممتاز، ۱۳۸۱: ۸۵). درواقع بی‌سازمانی اجتماعی نتیجه فرایندهای تضاد هنجاری و ارزشی، تغییرات فرهنگی، خلأهای فرهنگی و ضعف روابط اولیه است، ازاین‌رو این وضعیت باعث کاهش کنترل اجتماعی بیرونی و سوق دادن افراد به سمت رفتارهای انحرافی می‌شود. درواقع، ویژگی‌هایی چون شهرنشینی، تحرک مکانی، ناهمگونی قومی یا نژادی و گسیختگی خانواده مانع از توانایی اجتماعی در اعمال کنترل اجتماعی بر روی افراد می‌شود. «محلله‌های نابسامان نمی‌توانند تلاش مؤثری در زمینه کنترل اجتماعی به کار ببندند. از آنجایی که جمعیت متغیر است، روابط بین فردی سطحی است و نمی‌تواند به کاهش رفتار منحرفانه کمک نماید. نهادهای اجتماعی نظیر مدارس و کلیساها، نمی‌توانند در فضایی آکنده از بی‌اعتمادی و از خودبیگانگی به‌طور مؤثر فعالیت نمایند. حضور نداشتن افراد بانفوذ سیاسی در این مناطق، میزان دسترسی به منابع بودجه خارج از منطقه و حمایت پلیس را محدود می‌نماید. کنترل اجتماعی همچنین به علت مختل شدن نفوذ عوامل محله توسط گروه‌های نظارت‌نشده همسال و گروه‌های بزهکاری که در محله‌های نابسامان رشد می‌کنند- تضعیف می‌شود (ناطق پور، ۱۳۸۶: ۶۴).

نظریه‌های تلفیقی از جمله نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات، مفاهیم و ویژگی‌های نظریه‌های بیولوژیکی، روان‌شناختی ساختار اجتماعی و فرایند اجتماعی را با هم ترکیب نموده‌اند و با این ساختار ترکیبی نظری درصد تحلیل جرم و عوامل مؤثر بر آن هستند. گاتفردسون و هیرشی در نظریه عمومی جرم متذکر می‌شوند که برای فهم درست ماهیت جرم و بزهکاری باید متخلفان و اعمال آن‌ها را به‌عنوان موضوعاتی جداگانه تحلیل کرد. بزهکاری نوعی «رضایت‌مندی آسان و کوتاه‌مدت» را فراهم می‌کند. در مقابل مجرمان یا بزهکاران افرادی هستند که موقعیت و جایگاه آنان احتمال مشارکت آن‌ها را در ارتکاب جرائم افزایش می‌دهد. دلیل ارتکاب جوانان به جرائم به خویشنداری آنان برمی‌گردد. زیرا شخصیت تکانشی آن‌ها را معمولاً بی‌احساس، دارای قدرت جسمی خطرپذیر، کوتاه‌فکر و غیرکلامی هستند دارای جهت‌گیری دم‌غنیمی هستند و از تلاش برای دستیابی به اهداف دورودراز مدت خودداری می‌کند زیرا به گفته گاتفردسون و هیرشی «دسترسی به پول بدون کار رابطه جنسی بدون معاشقه و انتقام بدون معطل ماندن برای تشکیل و حکم دادگاه را برای آنان فراهم می‌کند».

آنان علت خویشنداری ضعیف را در روش‌های نامناسب تربیت فرزندان دنبال می‌کند کودکان فاقد خویشنداری به والدین خود دل‌بستگی ندارند و به ارزش و عقاید متعارف پایبند نیستند. زیرا بین خویشنداری و پیوندهای اجتماعی رابطه متقابل و دوطرفه‌ای وجود دارد. در نتیجه زنجیره علت‌ها را می‌توان بدین‌صورت مطرح: (۱) شخصیت تکانشی، (۲) روش‌های نامناسب تربیت فرزند، (۳) فقدان خویشنداری، (۴) تضعیف پیوندهای اجتماعی، (۵) افزایش فرصت‌های ارتکاب جرم، (۶) تقویت انحراف و تداوم روند منحرفانه در طول دوره زندگی (سیگل و سنا، ۱۳۸۴: ۲۸۷-۲۸۵). از دیدگاه تلفیقی نظریه‌های تک عاملی نظیر ساختار اجتماعی و فرایند اجتماعی نمی‌توانند تبیین کاملی از جرم ارائه کنند. چون جرم مفهوم پیچیده‌ای است و دربرگیرنده برداشت مجرم، قربانی، افراد و عاملان کنترل اجتماعی است. نظریه عمومی جرم یکی از نظریات مسلط تلفیقی است. از این دیدگاه جرم امری منطقی، عقلانی و پیش‌بینی‌پذیر است. افراد زمانی مرتکب

جرم می‌شوند که این امر پاداش‌دهنده باشد و تهدید برای مجازات می‌تواند جلوی جرم را بگیرد. اگر هدف‌های موردنظر فرد مراقبت شوند (یعنی خطر جرم بیشتر باشد) میزان جرم کاهش می‌یابد (های، ۲۰۰۱: ۲۰۶-۲۰۹ به نقل از جلایی پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۱).

روش پژوهش

در این تحقیق از روش کیفی استفاده شده است. در این روش از استراتژی تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود. این روش به‌منظور تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی به کار می‌رود و از طریق فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند، کدها و درون‌مایه‌ها^۱ مورد شناسایی قرار می‌گیرند. تحلیل محتوی چیزی فراتر از استخراج محتوای عینی برگرفته از داده‌های متنی می‌باشد که از طریق آن می‌توان مضامین (درون‌مایه‌ها) و الگوهای پنهان را از درون محتوای داده‌های شرکت‌کنندگان در مطالعه نمایان ساخت. هدف از انجام تحلیل محتوای کیفی طبقه‌بندی اطلاعات به‌دست‌آمده از نسخ مصاحبه‌ها، پروتکل‌های مشاهدات، داده‌های به‌دست‌آمده از نوار و ویدئو، یادداشت‌برداری‌هاست. تحلیل محتوای کیفی به‌طور سیستماتیک به تحلیل متون به‌منظور تنزل داده‌ها^۲ سازمان‌دهی داده‌ها^۳، تسهیل‌کننده توسعه تئوری^۴ می‌پردازد. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۳).

جامعه آماری این تحقیق سارقانی است که به جرم سرقت دستگیر شده‌اند و نیز کارگاہانی است که در اداره آگاهی تهران بزرگ حضور دارند. حجم نمونه آماری در بخش کیفی با اشباع نظری دست می‌آید. بدین معنا که محقق شروع به جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه می‌کند. انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که محقق در حال جمع‌آوری داده‌های تازه و جدید است. در این تحقیق حجم نمونه آماری ۳۲ نفر می‌باشد که شامل ۲۲ نفر از سارقان دستگیر شده و ۱۰ نفر از کارآگاهان پایگاه‌های پلیس آگاهی فاتب هستند. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند یا نظری و روش تجزیه و تحلیل نیز روش تحلیل محتوای کیفی است.

❖ تجزیه و تحلیل داده‌ها

❖ کدگذاری داده‌ها

یافته‌ها

جدول ۱. کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده

کد اصلی	زیر کد ۱	زیر کد ۲	عبارات
عوامل	اقتصادی	درآمد زیاد و کم زحمت	فقر و نداری باعث شده که برم سمت سرقت. وقتی آدم وقتی هیچ منبع درآمدی نداره خب فقیر میشه و باید به هر طریقی شده تا زنده بمونه. اگر فقیر نبودم که دلم درد نمی‌کرد سارق شم و ابروی خودم و خانواده‌ام رو ببرم. وقتی بچه داشته باشی و هر روز چیزی ازت بخواد یا زنت چیزی بخواد که نمیشه همش بگی ندارم. آدم شرمنده میشه و بخوای نخوای میری سمت یه کاری مثل دزدی. جز این راه دیگه‌ای ندارم. فقر خیلی چیز بدیه و باعث شد برم دنبال خلاف
			خب من اگر برم دزدی ماهی به‌راحتی ۵۰ ۶۰ م تومن در میارم. برم سراغ کدوم کار که این قدر درآمده داشته باشه؟
			من نمی‌تونم برم دنبال کاری که ماهی ۱۰ ۱۲ تومن می‌گیرم. من دوس دختر دارم و باید پول خوب خرج

1. Themes
2. Data Reduction
3. Data Striation
4. Facilitate Theory Development

مؤثر بر سرقت		کنم. با این پول زندگی من نمی‌چرخه. شما برای من به کار گیر ببار که من دنبال دزدی نرم. نه ماشین دارم که کار کنم نه موتور یا وسیله‌ای. بالاخره به جوری به کاری باید بکنم. از منبع درآمدی داشتم و بیکار نبودم دنبال دزدی نمی‌رفتم. قبلاً هم کار می‌کردم اما ورشکست شدم. دوستای معتادم همه وسایل کارگاه مبل‌سازیم رو دزدیدن. وقتی کاری نداشتم و به خاطر اعتیاد تونستم کاری گیر بیارم مجبور شدم سرقت کنم. قبلاً سوپرمارکت داشتم اما ضرر کردم. چن کار دیگه امتحان کردم که نشد. هزینه اجاره خونم خیلی بالا رفته. از خودمم خونه ندارم. مجبورم اجاره خونم رو جوری تأمین کنم. از طرفی بیکار هم هستم. مجبور شدم برم سمت دزدی و خرج خونه و اجاره رو در بیارم. قبلاً اجاره خونه ها پایین بود اما الآن خیلی بالاتره و مجبور شدم براش دزدی کنم که صابخونه از خونه بیرونم نکنه. الآن هزینه‌ها خیلی بالاست. شما دم هر سوپرمارکتی که بری کمتر از ۱ تومن پیاده نمیشی. میوه و لباس و پوشاک هم که همیشه نگرفت. خب زن و بچه خرج دارن و باید براشون خرید کرد. نمیشه هم همیشه بگی ندارم. مجبورم واسه دوست‌دخترم هم خرج کنم. دوشش دارم و نمی‌تونم بگم ندارم. بالاخره خرج اونم هست. وقتی هم که هزینه‌ها بالاتره نمیشه پس‌اندازی چیزی کرد و اگر بیکار باشی باید دزدی کنی تا شکمت رو سیر کنی.
	طلاق والدین	من بچه طلاقم. از بچگی پدر و مادرم از هم جدا شدن و بابام رو ندیدم. نمیدونم کجاست. پدر و مادرم سال ۹۵ از همدیگر طلاق گرفتن. من مهر مادری یا حامی پدر رو نداشتم. همه خانواده‌ای کسی کاری دارن ولی من خیلی وقته که اونارو ندیدم. اصلاً نمیدونم بابام کجاست. گذاشته رفته.
	پایگاه اجتماعی- اقتصادی ضعیف	من خانواده‌ام کار درست‌وحسابی که پول زیادی داشته باشن نیستن. پدرم بازنشسته است و مادر خانه‌دار. نه‌ایتش بتونن خرج خودشون رو بدن. نمی‌تونن به من کمک بکنن. من بار اول که از زندان آزاد شدم پدرم مجبور شد زمین شهرستان رو بفروشه و چیز دیگه‌ای هم نداره. شغلش کشاورزه منم چیزی ندارم تو شهر تهران. مجبور بودم برم دزدی. به همین خاطر رفتم سراغ مال خری گوسی و الانم گرفتنم. این دفعه برم زندان پدرم دیگه چیزی نداره که بهم بده. به تیکه زمین کشاورزیه که اونم چیزی نمیشه. من اگر مثل بقیه پدرم وضعش خوب بود میتونستم به کر خوب تویه به جای خوب پیدا کنم. اما خب ... من اگر وضعم خوب بود که خارج نمی‌رفتم دنبال کار. رفتم آلمان و نروژ و بعد از مدتی مجبور شدم به خاطر وضعیت مادرم که توی تهران تنها بود برگردم.
	نابرابری‌ها و تحریک دیگران	من وقتی می‌بینم که در شهر ما بیکاری زیاده و هر یک از همسایه هامون میرن تهران با به ماشین بر می‌گردن منم میگم منم باید برم. چیزی از بقیه کمتر ندارم. به چیز بزرگ‌تر و بهتر بیارم. یا با اونا شریک میشم یا با کسای دیگه میریم تهران. چرا وضع اونا باید به دفعه‌ای خوب بشه. منم به اونا نگاه می‌کنم. طرف به شبه همه چیز گیرش میاد. خب منم جوونم و وقتی میبینم اونا بدون زحمت پولدار شدن خب منم باید همین کار رو بکنم
	سرقت به عادت	من به پول احتیاج ندارم اما خب این دیگه شغلمه. تو خونمه هر وقت برم بیرون از زندان هم انجام میدم. چون کارم این شده. اگر احتیاج نداشته باشم که ندارم. به جوری حرفه من اینه. من مشکل مالی ندارم. اما خب سرقت رو دوس دارم. اصلاً هیجان داره واسم.
	یادگیری اجتماعی	من سرقت رو انجام میدم اما در اصل از زندانیای حرفه‌ای یاد گرفتم. مثلاً دفعه قبل که تو زندان بودم از سارقایی که خیلی حرفه‌ای بودن یاد گرفتم چجوری تو سعادت‌آباد دزدی کنم. اونا خیلی وارد بودن. من از اونا یاد گرفتم تو زندان.
	تحصیلات پایین	من تحصیلاتم سیکله و دنبال تحصیل نرفتم چون که پدرم معتاد بود و نمی‌توانستم برم درس بخونم. مجبور بودم کار کنم. به دلیل تحصیلات پایین تونستم کاری گیر بیارم مثل بقیه و مجبور بودم از ایلام بیام تهران توی به خونه ۴۰ متری. الانم درس خواندن مهم نیست. تحصیلاتم دوم راهنماییه. خب پدرم مرد و من تونستم درس بخونم. باید کار می‌کردم. خب پدر و مادرم بیسوادن. منم زیاد ادامه ندادم. پدرم کشاورز بود و واسه همین وضعمون خوب نبود که بخوام ادامه تحصیل بدم.
	آسیب‌های اجتماعی	من تا زمانی که پول داشتم سرقت نمی‌کردم اما به محض اینکه پولم تمام شد شروع به سرقت وسایل داخل خودرو و گوسی و کیف افراد می‌کردم. چند بار گرفتنم و همان‌جا بشدت زدنم و کتک خوردم. تهیه مواد

باعث شد سرقت کنم. من هرویین مصرف می‌کنم و برای تهیه اون مجبور به سرقت شدن.	(اعتیاد به مواد مخدر)		
مادرم توی خونه‌های مردم کلفتی می‌کنی. خواهرم تازه نامزدی کرده و چن وقتی پیش اون میرم و چن وقتی هم میرم خوابگاه‌های سطح شهر. جای اونقدری هم ندارم که برم. چون پول صابخونم رو ندادم منو از خونه انداخته بیرون و وسایلم خونه اوناست. آخرین باری که باهم زیر یه سقف با مادرم بودم سال ۹۵ بوده. مادرم تحت پوشش کمیته امداده و سرطان هم داره البته. زنم حاضر نیست با وضعیت من بسازه و از مدت دو ماهیه که اینجام وسایل زندگی رو جمع کرده برده خونه پدرش. تا حالا هم بهم سر نزده پدرم از وقتی که دبیرستانی بودم فوت شده و من سرپرست خانواده‌ام. مجبورم کمک مادر و خواهرم باشم. چون خواهرم دانشجویه و شهریه میدی من باید کمکش کنم. پدرم معتاد بود و مشروب میخورد. برای اولین بار هم اون به من شیشه داد که کشیدم وگرنه من معتاد نمی‌شدم که بعدش بدبخشم و بیفتم دنبال سرقت. داداشم معتاد بوده ولی الان ترک کرده منم قبلاً شیشه می‌کشیدم ولی الان ترک کردم. زنم که دید من هر شب با دوستانم می‌گرم و معتادم رفت آلمان و دیگه برنگشت و خیلی روم تأثیر گذاشت. البته من خونه پدرم رو براش فروختم که اون بره و بعد من برم ولی رفت و برنگشت. دوست‌دخترم هم بچه طلاقه. از مادرش حرف شنوی نداره و شبا با من خونه دوستانم میاد. اونم کنترلی روش نیست. یعنی نمی‌توان کنترالش کنی. من خواهرم مریضی ام اس داره و کسی نیست که از او مراقبت کنه و تنها اون توی این مدت به دیدنم اومده. کس دیگه‌ای ندارم.	ازهم‌گسختگی خانوادگی		
با دوستانم مشروب و قلیون و سیگار می‌کشم. تقریباً هر چی گیرمون بیاد میخوریم عرق سگی، ویسکی، ودکا و ... چون بعضی وقتا به همیم میطلبه و جوون هستیم و تفریحی نداریم. تقریباً همه دوستانم این کاره ان. از سوم راهنمایی مشروب می‌خورم. البته با یه خانم دکتر هم دوست شدم که اون مشروبم رو می‌داد و باهم می‌خوردیم. اصلاً به خاطر همین دوست بود که من معتاد شدم و رفتم سمت سرقت. اسمش اصغر تپله. چون من تو کارگاه همیشه کار می‌کردم می‌گفت که به خاطر اینکه بتونی همیشه کار کنی، شیشه بکش که اعتیاد هم نداره. اگر اون نبود من معتاد نمی‌شدم و دنبال سرقت هم نمی‌رفتم. من تقریباً ۶ سال پاکی داشتم اما ارتباط با خانمی که معتاد بود باعث شد مجدد به اعتیاد برگردم. خونه من پاتوقه و هر شب دوستانم میان اونجا و دور هم هستیم و مشروب و قمار و اعتیاد می‌کنیم.	معاشرت با دوستان ناباب		
من چون قبلاً سابقه اعتیاد داشتم ولی کلاس‌های ان ای (انجمن معتادان گمنام) شرکت می‌کردم و تقریباً ۶ سال پاکی داشتم و چون آشپز خوبی بودم رفتم مس سرچشمه تو کرمان. اونجا مشغول بکار شدم. اونجا از طریق اینستاگرام با خانمی آشنا شدم و بعد از رفتن خونه اون و شربتی که حاوی مواد روان گردان بود خوردم مجدداً معتاد شدم. با ایشون من وارد یک رفتار پرخطر شدم. گر این خانم نبود دوباره معتاد نمی‌شدم. چون خونه من محل تجمع معتاد بود هر شب مواد و غذای منو می آوردن و منم بهشون جا میدادم. چون پاتوق بوده خونم و منم پولی نداشتم واسم مواد و غذا می‌آوردن و منم بهشون جا میدادم تا مشروب بخورن و شیشه بکش و قمار کنن. من ۳ تا دوس دختر دارم. دوتاشون معتادان و همیشه باهم شیشه می‌کشیم. یا من مواد تهیه می‌کنم یا اونا. با همشونم رابطه جنسی دارم. واسه اینکه جرات پیدا کنم واسه سرقت، مجبور می‌شدم تا قرص کلوزاپام مصرف کنم. بهم دل و جرات میدی و کمتر می‌ترسم. خب بالاخره ترس داره. دو بار خودکشی کردم. بار اول توی کرمان بود که سریع زنگ به پلیس زدن و از بالای درخت آوردنم پایین. یبار دیگه تو خونمون بود که با قرص خودکشی کردم ۴ روز تو کما بودم و بعد به هوش اومدم.	رفتارهای پرخطر		
من نماز نمی‌خوانم چون اصلاً بلد نیستم. اگر چه تو خانواده‌ام هم پدر و هم مادرم جفتشون نماز می‌خوانن و روزه میگیرن اما خب من نمیخونم. روزه هم نمیگیرم. من چند بار نماز خواندم روزه هم گرفتم اما اوضاع اقتصادی‌ام بهتر نشد پس ولش کردم. اگر خوب بود که به تعبیری تو وضع پیش می‌ومد. من فقط تو زندان نماز میخونم تا خدا کمکی بهم بکنه اما بعد از اون تو خونه نمیخونم. پدر و مادرم اما	ضعف باروهای مذهبی		

	فرهنگی	میخونن. مادرم مذهبی و پدرم هم قبلش میخوند اما خب الان مرده. برادرم هم که نمیخونه. اما خب خونادمون مذهبی هستن از خیلی وقت پیش. میدونم دزدی گناهه اما خب چاره‌ای نداشتم چون از گرسنگی می‌مردم. من درسته که دست به دزدی زدم که اصلاً هم ناراحت نیستم اما در عوض جهاز ۱۵ دختر رو هم براش خریدم. اصلاً از دزدی‌های خودم پشیمون نیستم. زندان هم برم بازهم به کارم ادامه میدم. پول ندارم اما اعتبار که دارم. این کار تو خونمه. حرفه منه. انجام سرقت نشونه زرنگی منه که میتونم پول در بیارم. چون سمت ما چشم و هم‌چشمی زیاده این نشون میده که من جریزه داره. اگر بد باشه برای همه بده
--	--------	--

مهم‌ترین عوامل اقتصادی در پنج مورد فقر، درآمد زیاد و کم زحمت، افزایش هزینه‌های جاری، مسکن و بیکاری قابل توضیح هستند. در طول سال‌های اخیر مسائل اقتصادی سهم بیشتری از دلایل ارتکاب به جرم سرقت را دارا بوده‌اند. تحریم‌های اقتصادی، وضعیت تورم، کاهش ارزش پول ملی و غیره باعث شده تا عوامل اقتصادی شرایط بغرنج‌تری بر مردم وارد کنند. تمام این عوامل باعث شده است تا مرتکب به لحاظ اقتصادی زیر فشار قرار گیرد و به سرقت دست بزند. به‌خصوص در سالیان اخیر این عوامل بسیار تأثیرگذار بوده و بشدت افراد را در تنگنا قرار داده است. بیشتر سارقانی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند تقریباً از وضعیت مالی خوبی برخوردار نبوده و شرایط بد مالی خود را عاملی جهت ارتکاب به سرقت معرفی نمودند. این افراد تقریباً دون‌پایه هستند که مرتکب جرائمی مانند قاپ‌زنی، گوشی زنی، مال‌خری گوشی‌های همراه، سرقت منزل و سرقت لوازم داخل خودرو شده‌اند. به جرات می‌توان گفت که بسیاری از آنان دارای منزلت اجتماعی پایین هستند. این‌گونه افراد کج‌رو بیشتر زیر ذره‌بین قرار دارند و مردم نیز خواهان واکنش‌های سریع‌تر و سخت‌تر نسبت به آن‌ها هستند. نکته مهم آنکه فقر و بیکاری در تمام جوامع عاملی برای ارتکاب جرائمی مانند سرقت است. اما به دلیل افزایش تحریم و تورم، هزینه‌های زندگی، قیمت مسکن در طول سالیان اخیر در کشور بسیار مهم بوده است. به‌طوری‌که با درآمدهای معمولی فرد نمی‌تواند به زندگی معقول و مناسبی دست پیدا کند. لذا افراد سعی می‌کنند تا از راه‌های میانبر و کم زحمت، درآمدهای بسیاری را به دست بیاورند. از این‌رو سرقت اهمیت بسیار بالایی پیدا می‌کند و باعث می‌شود تا افراد بدون زحمت و تلاش بیش از درآمدهای بالایی دست پیدا کنند. درواقع انگیزه این افراد به دست آوردن پول زیاد بدون تلاش و کار است. کاری که حتی کفاف یک زندگی معمولی را نمی‌دهد. این افراد نیز تقریباً سنی بین ۱۵ تا ۳۰ دارند. به نظر می‌رسد نسل جدید قائل به درآمد کم و زحمت زیاد نیستند. بلکه معتقدند که لازمه یک زندگی خوب، تلاش فراوان نیست. بلکه می‌توان بدعت و نوآوری کرد و دست به سرقت زد تا یک‌شبه راه چندساله را طی نمایند. رابرت مرتن جامعه‌شناس آمریکایی در گونه‌شناسی افراد منحرف، این‌گونه افراد (سارقان) را نوآوران می‌نامد چرا که اهداف را قبول دارند اما راه‌های رسیدن به آن را تأیید نمی‌کنند. بنابراین خود اقدام به نوآوری می‌کنند و راه‌های جدیدی برای اهداف پذیرفته‌شده ارائه می‌دهند که در تضاد با هنجارهای مسلط بر جامعه است. این‌گونه افراد معمولاً از طبقه پایین جامعه هستند و منزلت اجتماعی بسیار پایینی دارند. بر اساس نظریه مرتون می‌توان گفت که هر نظام اجتماعی/ فرهنگی دو جنبه دارد: جنبه اول مجموعه هدف‌ها، مقاصد و علایق مشخص فرهنگی که برای تمام اعضای جامعه هدف‌های مشروع به حساب می‌آید. عنصر دوم، ابزار و امکانات قابل قبولی را که برای دستیابی به این هدف‌ها ضروری است، تعریف و تنظیم و کنترل می‌کند. به عبارت دیگر یک هدف معین می‌تواند به انواع وسایل تحقق پذیرد اما فقط برخی از آن‌ها مشروع به حساب می‌آیند، یعنی از نظر فرهنگی لایق پاداش‌اند. این عنصر به وسایل نهادینه‌شده یا وسایل فرهنگی اشاره دارد (دوچ و کراواس، ۱۳۷۴؛ ۲۱۳). مرتون که منشأ انحراف را در فرهنگ و ساختار اجتماعی (و نه در شکست‌های افراد منحرف) جستجوی می‌کند، می‌گوید این جامعه است که از طریق شکاف و نارسایی بین اهداف

مقبول خود و روش‌های مجاز رسیدن به آن اهداف فشار عظیمی را بر مردم تحمیل می‌کند و آن‌ها را به‌جای همنوایی به کج‌روی وا می‌دارد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۵۹).

برخی از این مجرمان اتفاقی هستند که تصمیمات لحظه‌ای گرفته و بدون برنامه و در صورت وجود فرصت ارتکاب دست به سرقت مال می‌زنند. به عقیده جان هپ برن، جرائم اقتصادی اتفاقی، موقعی روی می‌دهد که فرصتی یا انگیزه‌ای موقعیتی برای ارتکاب به آن نوع جرائم وجود داشته باشد. به گفته وی، محرک‌های محیطی، تأثیر کوتاه‌مدت روی رفتارهای اشخاصی که خطرآفرین هستند دارد. این محرک‌ها شامل عوامل روانشناسی مانند مشکلات مالی و عوامل اجتماعی مانند تنگناها و فشارهای هم‌سالان است. به عقیده وی، فرصت و محرک‌های موقعیتی و محیطی دلایل اصلی جرم نیستند بلکه نوعی برانگیزنده و تحریک‌کننده برای جرم هستند (سیگل، ۱۳۸۵: ۵۸۹).

مهم‌ترین عوامل اجتماعی شامل عوامل مختلفی مانند طلاق والدین، رفتارهای پرخطر، معاشرت با دوستان ناباب، پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، نابرابری و تحریک دیگران، سرقت به عادت، یادگیری اجتماعی، تحصیلات پایین، درگیری با آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد به مواد مخدر) و خانواده ازهم‌گسیخته می‌باشد. بیشتر این عوامل نه‌تنها بشدت باهم در ارتباط هستند و بر یکدیگر اثرگذار می‌باشند، بلکه با عوامل اقتصادی نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. به‌طورمعمول بیشتر افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند از مسائل خانوادگی رنج می‌بردند. این‌گونه افراد دارای خانواده‌ای بودند که به لحاظ اقتصادی ضعیف بوده و روابط بین افراد خانواده ازهم‌گسیخته بود. این افراد در خانواده‌ای متولدشده‌اند که درگیر آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق والدین، اعتیاد، مریضی اعضای خانواده، بیکاری، معاشرت با دوستان ناباب، روابط نامناسب والدین، تحصیلات پایین، سرخوردگی اجتماعی و منزلت اجتماعی پایین بوده‌اند. این‌گونه افراد در چرخه‌ای از مسائل اجتماعی فرورفته‌اند که امکان برون‌رفت از آن بسیار سخت است. این افراد در نقاط پایین‌شهر یا حاشیه شهر تهران یا در استان‌های محروم کشور ساکن هستند. میزان دسترسی این افراد به امکانات اجتماعی و تحصیلی در این افراد به نسبت کمتر است. بیشتر مصاحبه‌کنندگان اعلام کرده‌اند که خانواده‌شان درگیر معضلات اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی فراوانی است. اعتیاد والدین، وضعیت اقتصادی ضعیف، تحصیلات پایین خانواده، وجود فضای متشنج در خانواده، درگیری والدین، محیط اجتماعی ناسالم، معاشرت با دوستان ناباب، درگیر شدن با رفتارهای پرخطر باعث شده تا شرایط سرقت و ارتکاب جرم برای آن‌ها فراهم شود. این افراد به دلیل فضای نامناسب خانوادگی مجبور به ارتباط با دوستان همشان خود شده تا فرصت‌های ارتکاب جرم را برای خود فراهم نمایند. در موارد دیگر فضای ناسالم اجتماعی مانند نابرابری اجتماعی و چشم و هم‌چشمی در بین اطرافیان و همسایگان و پیشرفت یک‌باره آن‌ها باعث شده تا انگیزه و محرک این افراد نیز برای ارتکاب سرقت حاصل شود. این مورد در بین افراد ساکن کوه‌دشت به‌روشنی قابل مشاهده است و به‌زعم کارآگاهان و افراد دستگیرشده، محیط اجتماعی و روابط نابرابر اجتماعی باعث ارتکاب سرقت آن‌ها شده است. این افراد با دیدن اطرافیان‌شان که به‌راحتی و یک‌شبه پولدار شده‌اند، تحریک‌شده و وادار شده‌اند که آن‌ها نیز وارد این حرفه شوند.

اعتیاد والدین و به‌تبع آن فرزندان به مواد مخدر به‌خصوص شیشه نقش فراوانی در ارتکاب به سرقت دارد. بیشتر افراد معتاد معتقد هستند تا زمانی که از وضع مالی خوبی جهت تهیه مواد مخدر برخوردار بوده‌اند، دست به ارتکاب سرقت نمی‌زدند و به‌محض اینکه به مشکل مالی برخورد کرده‌اند، مجبور به سرقت شده‌اند. این افراد جهت تهیه مواد مخدر به همسالان خود ارتباط خوبی پیدا کرده و با انتخاب مکانی زیر عنوان پاتوق، هم برای خود و هم برای دوستان‌شان (حتی زنان) مواد مخدر تهیه کرده و مرتکب رفتارهای مخاطره‌آمیزی از جمله روابط جنسی پرخطر شده‌اند.

نکته مهم عوامل اجتماعی این است که بسیاری از افراد ساق اذعان داشته‌اند که ارتباط با دوستان ناباب و معاشرت با افراد ناسالم باعث شده است که آن‌ها نیز نه‌تنها شغل سالم خود را رها کنند بلکه برای ارتباط به سرقت با آن‌ها نیز

همکاری کنند. از این‌رو محیط‌های ناسالم و طبقات اجتماعی پایین جامعه که بیشتر در معرض تماس با افراد مجرم و بزهکار هستند، بیشتر در معرض ارتکاب سرقت هستند. هر چه این ارتباط بیشتر باشد امکان دستیابی به رفتار پرخطر نیز بیشتر خواهد بود. افرادی که به این حرفه روی آورده‌اند پس از مدتی به رفتارهای پرخطر سوق پیدا کرده و شجاعت آن‌ها به لیل حرفه‌ای شدن نیز بیشتر خواهد. این افراد چنانچه به سود خوبی دست پیدا کنند به سمت سودهای کلان سوق پیدا خواهند کرد و به جرائم خشن، روابط جنسی با زنان و دختران و برگزاری پارتی و ... خواهند پرداخت. اما چنانچه درگیر اعتیاد شوند بیشتر به سمت مواد مخدر و تشکیل پاتوق پیش خواهند رفت.

به نظر می‌رسد که هر یک از عوامل اجتماعی بر سایر عوامل اجتماعی تأثیرگذار است و آن را تقویت می‌کند و باعث بروز عامل و پیامد دیگری می‌شود. وضعیت نامناسب اجتماعی و خانوادگی باعث شده تا این افراد امکان دستیابی به ابزار مناسب جهت دستیابی با اهداف پذیرفته اجتماعی را نداشته باشند. به عبارتی در این‌گونه خانواده‌ها، والدین در تعیین مجرم بودن کودکان نقش عمده‌ای دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که افرادی که در خانواده‌های متشنج و پر تنش بزرگ‌شده‌اند یا یکی از والدین حضور نداشته یا از هم جداشده‌اند و یا حمایت و علاقه در خانواده وجود نداشته باشد، به‌سوی عوامل جرم‌زای محیط کشیده می‌شود (سیگل، ۱۳۸۵: ۳۷۱). درواقع سطح محرومیت خانوادگی، اجتماعی و استانی در ارتکاب به جرم سرقت بسیار مؤثر بوده است. همچنین، زندگی در مناطق بدون امکانات یا کم امکانات، تأثیر بسیار نامطلوبی بر کارکردهای خانواده به‌خصوص خانواده‌های تک‌والدینی دارد. کودکانی که در چنین خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند، بیشتر در معرض روی آوردن به بزهکاری قرار دارند (همان). در خانواده‌هایی که از وضعیت مناسب اجتماعی برخوردارند، یا والدین هر دو در خانواده حضور دارند، امکان کنترل فرزندان نیز بیشتر است. از طرفی وضعیت نامناسب اقتصادی باعث می‌شود که این خانواده‌ها چاره‌ای جز حضور در مناطق پایین‌شهر نداشته و لذا کودکان در این مناطق بیشتر در معرض جرم و مواد مخدر قرار گیرند. لاوب و سلمپسون به این نتیجه رسیده‌اند که بچه‌های والدین مجرم و معتاد بیشتر به خشونت و بزهکاری و قانون‌شکنی روی می‌آورند (سیگل، ۱۳۸۵: ۳۷۲). شرایط بی‌سازمانی اجتماعی با تخریب و فرسایش روابط اجتماعی زمینه آسیب‌پذیری افراد را مهیا می‌کند. «افرادی که دوستان کمی دارند و کسی آنان را درک نمی‌کند به انزوا کشیده می‌شوند و به تدریج امید به رشد و تحول از دست می‌دهند و همین امر موجب بروز جرم و ارتکاب بزه می‌شود» (همان). درواقع بی‌سازمانی اجتماعی نتیجه فرایندهای تضاد هنجاری و ارزشی، تغییرات فرهنگی، خلأهای فرهنگی و ضعف روابط اولیه است، از این‌رو این وضعیت باعث کاهش کنترل اجتماعی بیرونی و سوق دادن افراد به سمت رفتارهای انحرافی می‌شود. درواقع، ویژگی‌هایی چون شهرنشینی، تحرک مکانی، ناهمگونی قومی یا نژادی و گسیختگی خانواده مانع از توانایی اجتماعی در اعمال کنترل اجتماعی بر روی افراد می‌شود. «محل‌های نابسامان نمی‌توانند تلاش مؤثری در زمینه کنترل اجتماعی به کار بندند. از آنجایی که جمعیت متغیر است، روابط بین فردی سطحی است و نمی‌تواند به کاهش رفتار منحرفانه کمک نماید. نهادهای اجتماعی نظیر مدارس و کلیساها، نمی‌توانند در فضایی آکنده از بی‌اعتمادی و ازخودبیگانگی به‌طور مؤثر فعالیت نمایند. حضور نداشتن افراد بانفوذ سیاسی در این مناطق، میزان دسترسی به منابع بودجه خارج از منطقه و حمایت پلیس را محدود می‌نماید. کنترل اجتماعی همچنین به علت مختل شدن نفوذ عوامل محله توسط گروه‌های نظارت‌نشده همسال و گروه‌های بزهکاری که در محله‌های نابسامان رشد می‌کنند- تضعیف می‌شود (ناطق پور، ۱۳۸۶: ۶۴).

عوامل فرهنگی در دو مبحث ضعف باورهای فرهنگی و تغییر ارزش‌ها و هنجارها قابل‌بحث است. تمام افراد مصاحبه‌شونده به‌نوعی دچار ضعف در اعمال و باورهای مذهبی بوده‌اند. تمام این افراد نه‌تنها نماز نمی‌خواندند و روزه نیز نمی‌گرفتند بلکه بسیاری از آن‌ها نحوه بجا آوردن آن‌ها را نیز نمی‌دانستند. برخی از آن‌ها اعتقادی به نماز و روزه نداشتند

و دلیلی برای بجا آوردن این اعمال نداشتند. اگر چه همگی به خدا و روز قیامت اعتقاد داشتند. برخی از افراد سارق، برای سرقت خود هیچ پشیمانی نداشتند و اعتباری را که در پی آن کسب کرده بودند را ستایش می‌کردند. این افراد به کار خود افتخار می‌کردند و آن را نشانی از و شجاعت می‌دانستند. در برخی موارد اظهار می‌کردند که برای چند خانواده جهاز عروسی تهیه کرده است و لذا در پی آن به کارهای خیر پرداخته‌اند.

گونه شناسی سارقان دستگیرشده

۱- سارقان اتفاقی

بیشتر سارقانی که به دلایل اقتصادی دست به سرقت می‌زنند را می‌توان مجرمان اتفاقی نام‌گذاری نهاد. این مجرمان حرفه‌ای نیستند؛ جرم نیز به‌عنوان حرفه‌ای افراد محسوب نمی‌آید. این افراد اعمال مجرمانه روزانه خود را سازمان‌دهی نمی‌کنند و به جرم به‌عنوان شیوه زندگی، پایبند و ملزم نیستند. آن‌ها برخلاف مجرمان حرفه‌ای از حمایت غیررسمی گروه‌های دیگر برخوردار نیستند. درواقع این افراد هرگونه رابطه با شرایط زندگی مجرمانه را رد می‌کنند و به‌جای آن به تخطی‌های خود به‌عنوان اعمال خارج از شخصیت می‌نگرند. این افراد ممکن است جرائم خود را "جرائم از روی نیاز" تلقی نمایند. بسیاری از این جرمان تازه‌کار هستند و تصمیماتشان آنی و لحظه‌ای بوده و در کارشان تا حد نه‌چندان زیادی مهارت دارند. بسیاری از آن‌ها به‌صورت کاملاً اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی دست به سرقت می‌زنند. این نوع مجرمان به‌وفور در سراسر دنیا وجود دارد. بسیاری از این افراد نوجوان و جوان بوده و به‌تازگی وارد جرگه دزدان شده‌اند. اما برخی نیز از این دسته مجرمان را بزرگ‌سالان تشکیل می‌دهد. منبع اصلی این افراد بزرگ‌سال، استفاده از روش‌های عادی و متداول بوده و شخصیت اصلی‌شان غیر مجرمانه است. این دو گروه روی هم‌رفته بسیاری از سرقت‌ها را انجام می‌دهند. معتادان و سارقان لوازم خودرو، کیف‌قاپ‌ها، سارقان خرده‌فروشی‌ها، سارقان تلفن همراه از این دسته‌اند. این افراد آن‌قدر مهارت کسب نکرده‌اند که وارد جرائم سنگین‌تر شوند و به همین وضعیت قانع‌اند. سارقان اتفاقی بیشتر به دنبال گذران امور روزمره هستند و توان انجام سرقت‌های حرفه‌ای را ندارند. از همین رو آماتور و فرصت‌طلب هستند.

۲- سارقان حرفه‌ای

این دسته از مجرمان، درصد قابل‌توجهی از درآمد خود را از راه ارتکاب جرم به دست می‌آورند. این نوع مجرمان خود را با این باور که اعمال مجرمانشان از روی هوا و هوس و یا تفنی است یا اینکه یک‌بار بیشتر نیست و نیز به دلیل تراشی جهت توجیه مضرات عمل خود، فریب نمی‌دهند. این افراد حرفه‌ای با تمام قدرت به حرفه خود اشتغال می‌ورزند و همواره تلاش می‌کنند که دستاوردهای بزرگی داشته باشند. این دسته مجرمان دیگر به سرقت‌های ساده کمتر دست می‌زنند مگر به آن‌ها به شکل سرگرمی دست بزنند. ای افراد بخش مهمی از زندگی خود را زیر لوای فرهنگ‌های مجرمانه تشکیل می‌دهند و دارای قدرت و مهارت در کارشان هستند. این مجرمان حرفه‌ای نه تنها از اعمال و کردارهای خود پشیمان نیستند بلکه به آن نیز افتخار می‌کنند و نسبت به اعمال خشن خود ترس و واهمه‌ای ندارند. از این دست مجرمان می‌توان به برادران نجفی که سارقان حرفه‌ای سرقت منزل بودند و سرقت‌های کلان و برنامه‌ریزی شده را انجام می‌دادند، اشاره کرد.

جدول ۲. مقایسه ویژگی‌های سارقان حرفه‌ای و اتفاقی مورد مطالعه

ردیف	ویژگی‌ها	سارقان حرفه‌ای	سارقان اتفاقی
۱	میزان مهارت	بالا	کم و متوسط
۲	علت ارتکاب سرقت	حرفه و شغل	نیاز روزانه
۳	وضعیت مالی	بسیار عالی	متوسط و ضعیف
۴	استعمال مواد مخدر	کم	بالا

۵	واکنش نسبت به جرم ارتكابی	احساس غرور	احساس ناراحتی
۶	سطح رفتار خشونت‌آمیز	بسیار بالا	کم
۷	وضعیت خانوادگی	ازهم‌گسیخته	ازهم‌گسیخته
۸	نوع سرقت	منزل و ماشین‌های گران‌قیمت	گوشی، گردنبند، لوازم خودرو
۹	ارتباطات با جنس مخالف	بالا	بالا
۱۰	نوع سرقت	دست‌اول و دوم	دست‌اول

بحث

در این مطالعه، یافته‌های کیفی نشان‌دهنده تأثیر غالب عوامل اقتصادی بر انگیزه سرقت در شهر تهران است، جایی که فقر، بیکاری و افزایش هزینه‌های جاری به‌عنوان محرک‌های اصلی شناسایی شدند. این نتایج با نظریه انتخاب عقلایی بکر همخوانی دارد، که ارتكاب جرم را نتیجه محاسبه سود و زیان اقتصادی می‌داند، و با پژوهش درگاهی و بیرانوند (۱۳۹۹) سازگار است که رابطه مثبت بیکاری و تورم با نرخ سرقت را تأیید کرده‌اند. عوامل اجتماعی مانند خانواده‌های ازهم‌گسیخته، معاشرت با دوستان ناباب و اعتیاد به مواد مخدر، نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند و بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا الگوهای رفتاری مجرمانه را از طریق تقلید تقویت می‌کنند، مشابه یافته‌های فتحی و همکاران (۱۴۰۰) در همدان که هم‌نشینی با خلاف‌کاران را عامل کلیدی می‌دانند.

عوامل فرهنگی، از جمله ضعف باورهای مذهبی و تغییر هنجارها، به‌عنوان بسترهای زمینه‌ساز عمل می‌کنند و با مفهوم آنومی مرتن هم‌راستا هستند، که نابرابری اجتماعی را به انحراف فرهنگی پیوند می‌دهد. این یافته‌ها با مطالعه درشتی (۱۳۹۹) در تهران همخوانی دارند، که مهاجرت و نابسامانی اجتماعی را در افزایش سرقت مؤثر می‌دانند. گونه‌شناسی سارقان به دو دسته اتفاقی (آماتور و فرصت‌طلب) و حرفه‌ای تقسیم شد، که گروه اول عمدتاً تحت تأثیر نیازهای فوری اقتصادی قرار دارند، درحالی‌که گروه دوم از فرهنگ مجرمانه پایدار بهره می‌برند، مشابه طبقه‌بندی سیگل (Siegel, 2000) در بزهکاری حرفه‌ای.

تحلیل قومیتی الگوهای سرقت نشان‌دهنده تأثیر خرده‌فرهنگ‌های محلی است، که با نظریه خرده‌فرهنگ بزهکاری کوهن سازگار است و توضیح می‌دهد چرا برخی اقوام به انواع خاصی از سرقت تمایل دارند. افزایش سرقت در تهران تحت تأثیر تحریم‌های اقتصادی (از ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) قرار دارد، که این روند با آمار مرکز آمار ایران همخوانی دارد و بر نقش ادوار تجاری تأکید می‌کند، مشابه پژوهش برنسا و همکاران (۲۰۲۰) در ایالات‌متحده که عوامل اقتصادی را در بزه‌دیدگی هویتی برجسته می‌سازند.

بالین‌حال، محدودیت‌هایی مانند نمونه‌گیری در دسترس و تمرکز بر سارقان دستگیرشده، تعمیم‌پذیری را کاهش می‌دهد، زیرا سارقان موفق ممکن است الگوهای متفاوتی داشته باشند. پیشنهاد می‌شود مطالعات طولی با روش‌های کمی-کیفی ترکیبی انجام شود تا تأثیر مداخلات پیشگیرانه مانند برنامه‌های اشتغال‌زایی ارزیابی گردد. در نهایت، این یافته‌ها بر لزوم رویکرد چندبعدی تأکید دارند، جایی که حل مسائل اقتصادی با تقویت سرمایه اجتماعی و فرهنگی ادغام شود تا نرخ سرقت کاهش یابد، مشابه پیشنهادهای حیدرنژاد و عامری (۱۳۹۹) در استفاده از فناوری‌های نوین برای پیشگیری.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر در انگیزه سرقت سارقان شامل فقر، درآمد زیاد و کم زحمت، افزایش هزینه‌های جاری، مسکن و بیکاری هستند. بیشتر سارقانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند تقریباً از وضعیت مالی خوبی برخوردار نبوده و شرایط بد مالی خود را عاملی جهت ارتکاب به سرقت معرفی نمودند. این افراد تقریباً دون‌پایه هستند که مرتکب جرائمی مانند قاپ‌زنی، گوشی زنی، مال‌خری گوشی‌های همراه، سرقت منزل و سرقت لوازم داخل خودرو شده‌اند. به جرات می‌توان گفت که بسیاری از آنان دارای منزلت اجتماعی پایین هستند. این‌گونه افراد کج‌رو بیشتر زیر ذره‌بین قرار دارند و مردم نیز خواهان واکنش‌های سریع‌تر و سخت‌تر نسبت به آن‌ها هستند. نکته مهم آنکه فقر و بیکاری در تمام جوامع عاملی برای ارتکاب جرائمی مانند سرقت است. اما به دلیل افزایش تحریم و تورم، هزینه‌های زندگی، قیمت مسکن در طول سالیان اخیر در کشور بسیار مهم بوده است. به‌طوری‌که با درآمدهای معمولی فرد نمی‌تواند به زندگی معقول و مناسبی دست پیدا کند. لذا افراد سعی می‌کنند تا از راه‌های میانه‌بر و کم زحمت، درآمدهای بسیاری را به دست بیاورند. از این‌رو سرقت اهمیت بسیار بالایی پیدا می‌کند و باعث می‌شود تا افراد بدون زحمت و تلاش بیش از درآمدهای بالایی دست پیدا کنند. درواقع انگیزه این افراد به دست آوردن پول زیاد بدون تلاش و کار است. کاری که حتی کفاف یک زندگی معمولی را نمی‌دهد. این افراد نیز تقریباً سنی بین ۱۵ تا ۳۰ دارند. به نظر می‌رسد نسل جدید قائل به درآمد کم و زحمت زیاد نیستند. بلکه معتقدند که لازمه یک زندگی خوب، تلاش فراوان نیست. بلکه می‌توان بدعت و نوآوری کرد و دست به سرقت زد تا یک‌شبه راه چندساله را طی نمایند. رابرت مرتن جامعه‌شناس آمریکایی در گونه‌شناسی افراد منحرف، این‌گونه افراد (سارقان) را نوآوران می‌نامد چرا که اهداف را قبول دارند اما راه‌های رسیدن به آن را تأیید نمی‌کنند. بنابراین خود اقدام به نوآوری می‌کنند و راه‌های جدیدی برای اهداف پذیرفته‌شده ارائه می‌دهند که در تضاد با هنجارهای مسلط بر جامعه است. این‌گونه افراد معمولاً از طبقه پایین جامعه هستند و منزلت اجتماعی بسیار پایینی دارند. این افراد بیشتر مجرمان اتفاقی هستند که تصمیمات لحظه‌ای گرفته و بدون برنامه و در صورت وجود فرصت ارتکاب دست به سرقت مال می‌زنند. به عقیده جان هپ برن، جرائم اقتصادی اتفاقی، مواقعی روی می‌دهد که فرصتی یا انگیزه‌ای موقعیتی برای ارتکاب به آن نوع جرائم وجود داشته باشد. به گفته وی، محرک‌های محیطی، تأثیر کوتاه‌مدت روی رفتارهای اشخاصی که خطرآفرین هستند دارد. این محرک‌ها شامل عوامل روانشناسی مانند مشکلات مالی و عوامل اجتماعی مانند تنگناها و فشارهای هم‌سالان است. به عقیده وی، فرصت و محرک‌های موقعیتی و محیطی دلایل اصلی جرم نیستند بلکه نوعی برانگیزنده و تحریک‌کننده برای جرم هستند (سیگل، ۱۳۸۵: ۵۸۹).

عوامل اجتماعی شامل عوامل مختلفی مانند طلاق والدین، رفتارهای پرخطر، معاشرت با دوستان ناباب، پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین، نابرابری و تحریک دیگران، سرقت به عادت، یادگیری اجتماعی، تحصیلات پایین، درگیری با آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد به مواد مخدر) و خانواده ازهم‌گسیخته می‌باشد. بیشتر این عوامل نه‌تنها بشدت باهم در ارتباط هستند و بر یکدیگر اثرگذار می‌باشند، بلکه با عوامل اقتصادی نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. به‌طورمعمول بیشتر افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند از مسائل خانوادگی رنج می‌بردند. این‌گونه افراد دارای خانواده‌ای بودند که به لحاظ اقتصادی ضعیف بوده و روابط بین افراد خانواده ازهم‌گسیخته بود. این افراد در خانواده‌ای متولدشده‌اند که درگیر آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق والدین، اعتیاد، مریضی اعضای خانواده، بیکاری، معاشرت با دوستان ناباب، روابط نامناسب والدین، تحصیلات پایین، سرخوردگی اجتماعی و منزلت اجتماعی پایین بوده‌اند. این‌گونه افراد در چرخه‌ای از مسائل اجتماعی

فرورفته‌اند که امکان برون‌رفت از آن بسیار سخت است. این افراد در نقاط پایین‌شهر یا حاشیه شهر تهران یا در استان‌های محروم کشور ساکن هستند. میزان دسترسی این افراد به امکانات اجتماعی و تحصیلی در این افراد به نسبت کمتر است. بیشتر مصاحبه‌کنندگان اعلام کرده‌اند که خانواده‌شان درگیر معضلات اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی فراوانی است. اعتیاد والدین، وضعیت اقتصادی ضعیف، تحصیلات پایین خانواده، وجود فضای متشنج در خانواده، درگیری والدین، محیط اجتماعی ناسالم، معاشرت با دوستان ناباب، درگیر شدن با رفتارهای پرخطر باعث شده تا شرایط سرقت و ارتکاب جرم برای آن‌ها فراهم شود. این افراد به دلیل فضای نامناسب خانوادگی مجبور به ارتباط با دوستان همشان خود شده تا فرصت‌های ارتکاب جرم را برای خود فراهم نمایند. در موارد دیگر فضای ناسالم اجتماعی مانند نابرابری اجتماعی و چشم و هم‌چشمی در بین اطرافیان و همسایگان و پیشرفت یک‌باره آن‌ها باعث شده تا انگیزه و محرک این افراد نیز برای ارتکاب سرقت حاصل شود. این مورد در بین افراد ساکن برخی از شهرستان‌ها به‌روشنی قابل‌مشاهده است و به‌زعم کارآگاهان و افراد دستگیرشده، محیط اجتماعی و روابط نابرابر اجتماعی باعث ارتکاب سرقت آن‌ها شده است. این افراد با دیدن اطرافیان‌شان که به‌راحتی و یک‌شبه پولدار شده‌اند، تحریک‌شده و وادار شده‌اند که آن‌ها نیز وارد این حرفه شوند. اعتیاد والدین و به‌تبع آن فرزندان به مواد مخدر به‌خصوص شیشه نقش فراوانی در ارتکاب به سرقت دارد. بیشتر افراد معتاد معتقد هستند تا زمانی که از وضع مالی خوبی جهت تهیه مواد مخدر برخوردار بوده‌اند، دست به ارتکاب سرقت نمی‌زدند و به‌محض اینکه به مشکل مالی برخورد کرده‌اند، مجبور به سرقت شده‌اند. این افراد جهت تهیه مواد مخدر به همسالان خود ارتباط خوبی پیدا کرده و با انتخاب مکانی زیر عنوان پاتوق، هم برای خود و هم برای دوستان‌شان (حتی زنان) مواد مخدر تهیه کرده و مرتکب رفتارهای مخاطره‌آمیزی از جمله روابط جنسی پرخطر شده‌اند. نکته مهم عوامل اجتماعی این است که بسیاری از افراد ساق‌اذعان داشته‌اند که ارتباط با دوستان ناباب و معاشرت با افراد ناسالم باعث شده است که آن‌ها نیز نه‌تنها شغل سالم خود را رها کنند بلکه برای ارتباط به سرقت با آن‌ها نیز همکاری کنند. از این‌رو محیط‌های ناسالم و طبقات اجتماعی پایین جامعه که بیشتر در معرض تماس با افراد مجرم و بزهکار هستند، بیشتر در معرض ارتکاب سرقت هستند. هر چه این ارتباط بیشتر باشد امکان دستیابی به رفتار پرخطر نیز بیشتر خواهد بود. افرادی که به این حرفه روی آورده‌اند پس از مدتی به رفتارهای پرخطر سوق پیدا کرده و شجاعت آن‌ها به لیل حرفه‌ای شدن نیز بیشتر خواهد بود. این افراد چنانچه به سود خوبی دست پیدا کنند به سمت سودهای کلان سوق پیدا خواهند کرد و به جرائم خشن، روابط جنسی با زنان و دختران و برگزاری پارتی و ... خواهند پرداخت. اما چنانچه درگیر اعتیاد شوند بیشتر به سمت مواد مخدر و تشکیل پاتوق پیش خواهند رفت.

به نظر می‌رسد که هر یک از عوامل اجتماعی بر سایر عوامل اجتماعی تأثیرگذار است و آن را تقویت می‌کند و باعث بروز عامل و پیامد دیگری می‌شود. وضعیت نامناسب اجتماعی و خانوادگی باعث شده تا این افراد امکان دستیابی به ابزار مناسب جهت دستیابی با اهداف پذیرفته اجتماعی را نداشته باشند. به عبارتی در این‌گونه خانواده‌ها، والدین در تعیین مجرم بودن کودکان نقش عمده‌ای دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که افرادی که در خانواده‌های متشنج و پرتنش بزرگ‌شده‌اند یا یکی از والدین حضور نداشته یا از هم جداشده‌اند و یا حمایت و علاقه در خانواده وجود نداشته باشد، به‌سوی عوامل جرم‌زای محیط کشیده می‌شود (سیگل، ۱۳۸۵: ۳۷۱). درواقع سطح محرومیت خانوادگی، اجتماعی و استانی در ارتکاب به جرم سرقت بسیار مؤثر بوده است. همچنین، زندگی در مناطق بدون امکانات یا کم امکانات، تأثیر بسیار نامطلوبی بر کارکردهای خانواده به‌خصوص خانواده‌های تک‌والدینی دارد. کودکانی که در چنین خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند، بیشتر در معرض روی آوردن به بزهکاری قرار دارند (همان). در خانواده‌هایی که از وضعیت مناسب اجتماعی برخوردارند، یا والدین هر دو در خانواده حضور دارند، امکان کنترل فرزندان نیز بیشتر است. از طرفی وضعیت نامناسب

اقتصادی باعث می‌شود که این خانواده‌ها چاره‌ای جز حضور در مناطق پایین‌شهر نداشته و لذا کودکان در این مناطق بیشتر در معرض جرم و مواد مخدر قرار گیرند. لاوب و سلمپسون به این نتیجه رسیده‌اند که بچه‌های والدین مجرم و معتاد بیشتر به خشونت و بزهکاری و قانون‌شکنی روی می‌آورند (سیگل، ۱۳۸۵: ۳۷۲).

عوامل فرهنگی در قالب دو موضوع ضعف باورهای فرهنگی و تغییر ارزش‌ها و هنجارها قابل‌بحث است. تمام افراد مصاحبه‌شونده به‌نوعی دچار ضعف در اعمال و باورهای مذهبی بوده‌اند. تمام این افراد نه‌تنها نماز نمی‌خواندند و روزه نیز نمی‌گرفتند بلکه بسیاری از آن‌ها نحوه بجا آوردن آن‌ها را نیز نمی‌دانستند. برخی از آن‌ها اعتقادی به نماز و روزه نداشتند و دلیلی برای بجا آوردن این اعمال نداشتند. اگر چه همگی به خدا و روز قیامت اعتقاد داشتند. برخی از افراد سارق، برای سرقت خود هیچ پشیمانی نداشتند و اعتباری را که در پی آن کسب کرده بودند را ستایش می‌کردند. این افراد به کار خود افتخار می‌کردند و آن را نشانی از و شجاعت می‌دانستند. در برخی موارد اظهار می‌کردند که برای چند خانواده جهاز عروسی تهیه کرده است و لذا در پی آن به کارهای خیر پرداخته‌اند.

گونه شناسی سارقان دستگیرشده نشان می‌دهد که می‌توان آن‌ها را در دو دسته سارقان اتفاقی و غیرحرفه‌ای و سارقان حرفه‌ای تقسیم کرد. بیشتر سارقانی که به دلایل اقتصادی دست به سرقت می‌زنند را می‌توان مجرمان اتفاقی نام‌گذاری نهاد. این مجرمان حرفه‌ای نیستند؛ جرم نیز به‌عنوان حرفه‌ای افراد محسوب نمی‌آید. این افراد اعمال مجرمانه روزانه خود را سازمان‌دهی نمی‌کنند و به جرم به‌عنوان شیوه زندگی، پایبند و ملزم نیستند. آن‌ها برخلاف مجرمان حرفه‌ای از حمایت غیررسمی گروه‌های دیگر برخوردار نیستند. درواقع این افراد هرگونه رابطه با شرایط زندگی مجرمانه را رد می‌کنند و به‌جای آن به تخطی‌های خود به‌عنوان اعمال خارج از شخصیت می‌نگرند. این افراد ممکن است جرائم خود را "جرائم از روی نیاز" تلقی نمایند. بسیاری از این جرمان تازه‌کار هستند و تصمیماتشان آنی و لحظه‌ای بوده و در کارشان تا حد نه‌چندان زیادی مهارت دارند. بسیاری از آن‌ها به‌صورت کاملاً اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی دست به سرقت می‌زنند. این نوع مجرمان به‌وفور در سراسر دنیا وجود دارد. بسیاری از این افراد نوجوان و جوان بوده و به‌تازگی وارد جرگه دزدان شده‌اند. اما برخی نیز از این دسته مجرمان را بزرگ‌سالان تشکیل می‌دهد. منبع اصلی این افراد بزرگ‌سال، استفاده از روش‌های عادی و متداول بوده و شخصیت اصلی‌شان غیر مجرمانه است. این دو گروه روی هم‌رفته بسیاری از سرقت‌ها را انجام می‌دهند. معتادان و سارقان لوازم خودرو، کیف‌قاپ‌ها، سارقان خرده‌فروشی‌ها، سارقان تلفن همراه از این دسته‌اند. این افراد آن‌قدر مهارت کسب نکرده‌اند که وارد جرائم سنگین‌تر شوند و به همین وضعیت قانع‌اند. سارقان اتفاقی بیشتر به دنبال گذران امور روزمره هستند و توان انجام سرقت‌های حرفه‌ای را ندارند. از همین رو آماتور و فرصت‌طلب هستند.

سارقان حرفه‌ای سارقانی هستند که درصد قابل‌توجهی از درآمد خود را از راه ارتکاب جرم به دست می‌آورند. این نوع مجرمان خود را با این باور که اعمال مجرمانشان از روی هوا و هوس و یا تفرنی است یا اینکه یک‌بار بیشتر نیست و نیز به دلیل تراشی جهت توجیه مضرات عمل خود، فریب نمی‌دهند. این افراد حرفه‌ای با تمام قدرت به حرفه خود اشتغال می‌ورزند و همواره تلاش می‌کنند که دستاوردهای بزرگی داشته باشند. این دسته مجرمان دیگر به سرقت‌های ساده کمتر دست می‌زنند مگر به آن‌ها به شکل سرگرمی دست بزنند. ای افراد بخش مهمی از زندگی خود را زیر لوای فرهنگ‌های مجرمانه تشکیل می‌دهند و دارای قدرت و مهارت در کارشان هستند. این مجرمان حرفه‌ای نه‌تنها از اعمال و کردارهای خود پشیمان نیستند بلکه به آن نیز افتخار می‌کنند و نسبت به اعمال خشن خود ترس و واهمه‌ای ندارند. از این دست مجرمان می‌توان به برادران نجفی که سارقان حرفه‌ای سرقت منزل بودند و سرقت‌های کلان و برنامه‌ریزی‌شده را انجام می‌دادند، اشاره کرد.

یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که: از آنجاکه سرقت در شهر تهران تا حدودی سخت‌تر شده است و افراد پولدار زیادی در دیگر شهرها نیز حضور دارند، لذا برخی از سارقان به جای تهران شهرهای دیگری مانند مشهد، همدان، تبریز و ... را برای سرقت‌های خورده انتخاب می‌کنند. به عنوان مثال با وجود تعداد بسیار زیاد زوار در شهر مشهد، سرقت کیف و گوشی در این شهر زیاد شده است. از طرفی چون خود شخص تمایل به پیگیری در این شهر قریب ندارد بنابراین سارقان معتقدند که این افراد دنبال شکایت و پیگیری قضایی نخواهد رفت. افغانی‌ها با استمرار حضورشان در کشور به راحتی دست به دزدی می‌زنند و سپس گوشی‌های سرقتی را در اختیار مال‌خران قرار می‌دهند. این افراد چون در بازار رفت‌وآمد می‌کنند با سارقان محله‌های شوش و مولوی عجین شده و ارتباطات خوبی با آن‌ها دارند. این سارقان افغانی گوشی‌های خود را در اختیار قرار داده و آن‌ها نیز گوشی‌های سرقتی را به مال‌خران بزرگ‌تر که افغانی هستند می‌فروشند تا از کشور فرار کنند. مصاحبه با یکی از این مال‌خران نشان می‌دهد که به ازای هر گوشی سرقتی تنها ۳۰۰ هزار تومان سود دریافت می‌کنند. سارقان این شهرستان به تازگی در اطراف تهران (پردیس، کرج، ملارد، فردیس و ...) اقدام به خرید یا اجاره خانه کرده و سپس برای سرقت به شهر تهران مراجعه می‌کنند. در این بین این افراد چنان در ارتکاب سرقت حرفه‌ای شده‌اند که دست به سرقت‌های پیشرفته و سخت می‌زنند. نکته مهم این است که سرقت‌های حرفه‌ای نیاز به افراد حرفه‌ای نیز دارد که در این کار تبحر داشته و از جسارت کافی نیز برخوردار هستند. به نظر می‌رسد زندان تبدیل به محل آموزش جهت ارتکاب جرم شده است. بررسی وضعیت گوشی قاپ‌ها نشان می‌دهد همگی دارای وضعیت مالی خوبی هستند به طوری که به واسطه درآمد مناسبی که پیدا کرده‌اند همگی دارای دندان‌های لمینت شده، خال کوبی‌های گران‌قیمت، برگزاری‌های مهمانی‌های آن‌چانی، گردنبند طلا و ... هستند.

پیشنهادهای

- عوامل اقتصادی مهم‌ترین دلیل و بخش اعظم دلیل ارتکاب جرم سارقان دستگیر شده است. این عامل نه تنها در کشور ما بلکه در سراسر دنیا، بالاترین سهم را در بین عوامل منجر به سرقت را به خود اختصاص داده است. بدون حل مسائل اقتصادی، امکان به حداقل رساندن سرقت وجود ندارد. بهبود وضعیت اقتصادی بیش از آنکه در دست فراجا باشد، مرتبط با وظایف سایر ارگان‌هاست. با بهبود وضعیت اشتغال بسیاری از سارقان می‌توان به آن‌ها کمک شایانی کرد.
- پیشگیری و مقابله با جرائم نیازمند همکاری و هماهنگی بین سازمان‌ها و ارگان‌ها دارند. متأسفانه سایر نهادها همکاری چندانی با فراجا نداشته و همین امر باعث شده تا فراجا تنها سازمانی باشد که به صورت جدی به مقابله با امر سرقت بپردازد.
- در بسیاری از کشورهای دنیا استفاده از تکنولوژی نقش انکارناپذیری در کاهش جرم سرقت داشته است. استفاده از دوربین‌های مدار بسته در تمام مسیرها و جاده‌های درون شهری یکی از مهم‌ترین ابزار مقابله با سرقت است.
- استفاده از دوربین و آژیر خطر در منازل مسکونی و اداری می‌تواند بسیار کمک‌کننده و راهگشا باشد.
- استفاده از پابندهای الکترونیکی در کنترل سارقین سابقه‌دار، کمک بزرگی در کاهش سرقت داشته است.
- نهادهای مختلفی همچون سمن‌ها، شهرداری، بهزیستی، قوه قضاییه، وزارت کار و رفاه اجتماعی و ... باید زمینه بازپروری و توانمندسازی افراد سارق را ایجاد کنند. زندانی کردن و سپس آزاد کردن سارقان، در باز اجتماعی کردن افراد نمی‌تواند چندان مؤثر باشد.

- گسترش حلقه‌های اجتماعی داوطلبانه در حوزه‌های مختلف یعنی، گروه‌های کوچکی که به‌طور منظم همدیگر را ملاقات می‌کنند و در مورد موضوعات مختلفی، از یادگیری زبان تا آموزش کامپیوتر، موسیقی، اشتغال و موضوعات بین‌المللی روز، با هم تبادل نظر می‌کنند.

- اتحاد مردم با اجتماعات مذهبی نظیر: عضویت در شبکه‌های قوی و خانواده‌های خوش‌بینیه برای آن‌ها، نوعی احساس ریشه‌دار بودن، همبستگی و حمایت متقابل به وجود می‌آورد و می‌تواند احساس سرخوردگی و طردشدگی را از افراد سارق دور کرده و زمینه حضور و پذیرش آن‌ها در جامعه را فراهم کند.

حامی مالی

این اثر حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش

نویسندگان در تمام مراحل و بخش‌های انجام پژوهش سهم برابر داشتند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

تقدیر و تشکر

نویسنده از همه کسانی که در انجام این پژوهش به ما یاری رساندند، به‌ویژه کسانی که کار ارزیابی کیفیت مقالات را انجام دادند، تشکر و قدردانی می‌نماید.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی/انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۴). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جلائی پور، حمیدرضا و حسینی نثار، مجید. (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزه‌کاری نوجوانان رشت. *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، (۲)، ۸-۷۷.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۲)، ۳-۳۴.
- حیدر نژاد، علیرضا و عامری، محمدعلی. (۱۳۹۹). بررسی عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد در شهر مشهد و راهکارهای مبارزه با آن. *مجله پژوهش‌های دانش انتظامی*، (۸۶)، ۱۱۳-۱۴۲.
- خوشزاد، سیدرضا و خلعتبری، عبدالحسین. (۱۳۸۶). *طرح‌ریزی و هدایت عملیاتی پی‌جویی سرقت*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- درشتی، حنا. (۱۳۹۹). نابسامانی اجتماعی و تأثیر آن بر سرقت با تأکید بر پدیده مهاجرت مطالعه موردی: تهران بزرگ. *نشریه کارآگاه، پیاپی ۵۰، ۶۶-۸۶*.
- درگاهی، حسن و بیرانوند، امین. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر جرم مالی در ایران با تأکید بر ادوار تجاری و آسیب‌های اجتماعی. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، (۳۵)، ۱۲۷-۱۵۳.
- دوچ، هورتون، و کراوس، رابرت م. (۱۳۷۴). *نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: انتشارات آوای نور.
- سیگل، لاری و سنا، جوزوف. (۱۳۸۱). *بزهکاری نوجوانان*. (علی‌اکبر تاج مزینانی و فرامرز دزفولی ککولی، مترجمان). تهران: سازمان ملی جوانان.
- صدیق سروسرستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: انتشارات آن.
- فتحی، آیت‌الله؛ شریفی رهنمو، سعید؛ شریفی رهنمو، مجید و حسین پور، سهیلا. (۱۴۰۰). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پدیده سرقت‌های خرد در شهر همدان. *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۲۳(۴)، ۵۳-۸۱.
- قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲).
- مبارکی، محمد. (۱۳۸۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- مرادی، علیرضا. (۱۳۹۹). مطالعه تأثیر آسیب‌های اجتماعی (فقر، طلاق و اعتیاد) بر گرایش به پدیده سرقت (مطالعه موردی جوانان جنس مذکر ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر قم در سال ۱۳۹۹). فرماندهی انتظامی استان قم، دفتر تحقیقات کاربردی.
- ناطق پور، محمدجواد. (۱۳۸۶). *رویکردی نو در تحلیل آسیب‌های اجتماعی ایران*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی دانشگاه تهران.

References

- Ahmadi, H. (2003). *Sociology of deviance*. Samt Publications. [In Persian]
- Burnes, D., DeLiena, M., & Langton, L. (2020). Risk and protective factors of identity theft victimization in the United States. *Journal of Criminal Justice*, 46, 341–393.
- Chelabi, M., & Mobaraki, M. (2005). Analysis of the relationship between social capital and crime at micro and macro levels. *Journal of the Iranian Sociological Association*, 6(2), 3–34. [In Persian]
- Dargahi, H., & Biranvand, A. (2020). Factors affecting financial crime in Iran with an emphasis on business cycles and social pathologies. *Iranian Applied Economics Studies*, 35, 127–153. [In Persian]
- Derakhshesh, H. (2020). Social disorder and its impact on theft with an emphasis on the phenomenon of immigration: A case study of Greater Tehran. *Detective Journal*, 50, 66–86. [In Persian]
- Deutsch, M., & Krauss, R. M. (1995). *Theories in social psychology* (M. N. T. D. Chavoshian, Trans.). University of Tehran Publications. (Original work published 1965) [In Persian]
- Fathi, A., Sharifi Rahn timer, S., Sharifi Rahn timer, M., & Hosseinpour, S. (2021). A sociological study of the factors affecting the phenomenon of petty theft in Hamadan city. *Quarterly Journal of Police Knowledge*, 23(4), 53–81. [In Persian]
- Heydarnezhad, A., & Ameri, M. A. (2020). Investigating effective police factors on petty thefts in Mashhad city and strategies to combat it. *Journal of Police Knowledge Researches*, 86, 113–142. [In Persian]
- Islamic Penal Code. (2013). [In Persian]
- Ja'fari Langerudi, M. J. (2005). *Legal terminology*. Ganj-e Danesh Publications. [In Persian]
- Jalaiepour, H., & Hosseini Nezar, M. (2008). Social factors affecting juvenile delinquency in Rasht. *Journal of Humanities and Social Sciences*, 8(2), 77–102. [In Persian]
- Khoshozad, S. R., & Khalatbari, A. (2007). *Planning and operational guidance for theft investigation*. Amin Police University Publications. [In Persian]
- Mobaraki, M. (2004). *Investigating the relationship between social capital and crime* [Master's thesis, Shahid Beheshti University]. [In Persian]

- Moradi, A. (2020). *A study of the impact of social pathologies (poverty, divorce, and addiction) on the tendency towards theft (A case study of male youth aged 18 to 35 in Qom in 2020)*. Qom Police Command, Office of Applied Research. [In Persian]
- Nateghpour, M. J. (2007). *A new approach to the analysis of Iran's social pathologies*. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. [In Persian]
- Seddigh Sarvestani, R. (2004). *Social pathology (Sociology of deviance)*. Ati Publications. [In Persian]
- Setoudeh, H. (2004). *Social pathology (Sociology of deviance)*. Avaye Noor Publications. [In Persian]
- Siegel, L. J. (2000). *Criminology: Theories, patterns, and typologies* (7th ed.). Wadsworth.
- Siegel, L. J., & Senna, J. J. (2002). *Juvenile delinquency* (A. A. Taj Mazinani & F. Dezfoli Kakooli, Trans.). National Youth Organization. (Original work published 2000) [In Persian]

